

## دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد؟

محمد رضا لونی<sup>۱</sup>

### چکیده

در معنای عام، دکترین<sup>۲</sup> را نظریه و تعالیم علمی، فلسفی، سیاسی، مذهبی و مجموعه‌ای از نظام‌های فکری می‌دانند که مبتنی بر اصول معینی باشد. در مفهوم نظامی آن، دکترین در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تعریف می‌شود. دکترین نظامی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد و یا در چارچوب چند نظریه نظامی مطرح و ارائه گردد. این که از چه مسیری از وضع موجود به وضع مطلوب برسیم را راهبرد تعیین می‌کند و در واقع پاسخی است برای سؤال "چه باید کرد؟" اما دکترین پاسخی است برای "چگونه باید عمل نمود؟" دکترین، خطوط و تابلوهای راهنمایی است که برای حرکت در مسیر (راهبرد) باید مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود.

### کلید واژگان

دکترین، دکترین نظامی، ایدئولوژی نظامی، نظریه نظامی، راهبرد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

تدابیر، راه‌کارها و نگرش‌ها در حوزه علوم نظامی و چگونگی سازماندهی، آموزش، تجهیز، به‌کارگیری و هدایت نیروها در صحنه نبرد در ذیل مفاهیمی چون راهبرد و دکترین تعریف می‌گردد. دکترین پیش و بیش از هر حوزه دیگری با امور نظامی ارتباط و پیوستگی دارد و اساساً دکترین را باید برآمده از پدیده‌ای به‌نام جنگ دانست. دکترین بهترین افکار و اندیشه‌های موجود را در زمینه هدایت رزم در سطوح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی تصویر می‌نماید و راهبرد، بهترین تدبیر و راه‌کار برای رسیدن به هدف را ارائه می‌نماید. پیروزی در نبرد مستلزم هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ این دو مقوله با یکدیگر است. در این مقاله سعی شده است تا با یک بررسی اجمالی در مورد این مفهوم و دیگر واژه‌های مرتبط، تعریفی کاربردی از آن ارائه و رابطه آن را با مفاهیم دیگری هم‌چون؛ راهبرد، تاکتیک، نظریه، اندیشه و... مشخص کرده و کاربرد، وجوه اشتراک و تفاوت‌های این مفاهیم را در حوزه علوم نظامی تبیین نموده و درانتها نیز با ارائه یک مدل مفهومی از دکترین نظامی، و چگونگی شکل‌گیری آن، با ذکر مصادیق عینی سطوح مختلف آن را در محیط نیروهای مسلح ج.ا.ا. تبیین نماید.

## دکترین (نظامی) چیست؟

به لحاظ تاریخی اصطلاح دکترین نخستین بار در زمان ریاست جمهوری جیمز مونروئه، پنجمین رئیس جمهور آمریکا به کار رفت. دکترین مونروئه، مبتنی بر اصل عدم مداخله کشورهای اروپایی در قاره آمریکا و متقابلاً عدم مداخله آمریکا در اروپا و مستعمره‌های آن است. دکترین ترومن نیز یکی از دکترین‌های معروف آمریکا است و به نوعی ناقض دکترین مونروئه بود، ترومن در راستای مهار کمونیسم مقرر داشت به دولت‌هایی که در مقابل نفوذ کمونیسم مقاومت می‌کردند، کمک مالی، فنی و نظامی از سوی کنگره آمریکا تعلق به گیرد. (آفتاب، ۵ تیر ۸۹) به لحاظ واژه‌شناسی در معنای عام، دکترین را نظریه و تعالیم علمی، فلسفی، سیاسی، مذهبی و مجموعه‌ای از نظام‌های فکری می‌دانند که بر اصول معینی مبتنی باشد. همچنین در معنای خاص؛ اصول و نظریه‌ها یا چارچوب آموزه‌ها یا دستورالعمل‌ها یا باورها در یک شاخه از علوم است. در فرهنگ اصطلاحات نظامی اینگونه تعریف شده است: یک عقیده محکم یا مجموعه عقاید که یک بخش مهم از یک مذهب یا سیستم نظریه‌ها را شکل می‌دهد. بیانیه رسمی از یک دولت در

مورد نحوه تعامل با مقوله‌ای، مخصوصاً دولتهای دیگر<sup>۱</sup>. داکترین نظامی پایه و اساس اصولی است که به وسیله آن نیروهای نظامی یا عناصر مرتبط، اعمالشان در حمایت از اهداف ملی، هدایت می‌شود. آمرانه است اما مستلزم قضاوت در کاربرد است<sup>۲</sup>.

«دکترین نظامی عبارت است از اصول اساسی، اندیشه‌ها، اعتقادات، تعالیم و نظریه‌های مورد قبول و مورد حمایت ملی که در طرح‌ریزی‌ها و کاربرد قدرت نظامی در سطوح ملی و اجرائی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. (تهامی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۳)». از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، دکترین؛ نظریه، اصول یا قواعد بنیادی معتبری است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تامین اهداف بوده و بکار بردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد.

دکترین به دو سطح عمده ملی و نظامی تفکیک می‌شود. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۱) همچنین برخی دیگر معتقدند که: دکترین‌ها پویا بوده و ممکن است با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها، تغییرات حاصله در محیط و به‌ویژه تغییر در فناوری، جهت‌گیری‌های سیاسی و ... دچار تغییر و تحول شوند. در عین حال دکترین باید در برگیرنده فلسفه تفکری خلاق برای رویارویی با شرایط پیش‌بینی نشده و غیرمنتظره باشد. دکترین عمدتاً بر پایه‌ی تحلیل و تفسیر دقیق تجربیات گذشته استوار گردیده و در حوزه‌هایی که تجارب واقعی و عملی وجود ندارد، از راه استنتاج از تجارب گذشته، مبتنی بر قضاوت معقول، منطقی، شمس و شهود و گاه ادراک درونی، توسعه یافته و تدوین می‌شود. (دانش آشتیانی، ۱۳۸۹: ۶۱)

در سطح ملی، نقش دکترین، بکارگیری و هدایت مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت ملی، می‌باشد و در بعد نظامی، دکترین در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تعریف می‌شود. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۱)

محمود رستمی در کتاب فرهنگ واژه‌های نظامی بر این اعتقاد است که دکترین نظامی اصول بنیادینی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی و عناصر تشکیل‌دهنده آن اقدامات خود را در جهت

<sup>1</sup> A strong belief or set of beliefs that form an important part of a religion or system of ideas, A formal statement of the government's way of dealing with something, especially other countries. (Longman, 2008, p. 460)

<sup>2</sup> Fundamental of principles by which the military forces or elements thereof guide their actions in support of national objectives. It is authoritative but requires judgment in application. (dic. of military and associated terms, 2009)

دکترین نظامی، چگونه شکل می‌گیرد؟..... ۶۸

پشتیبانی از منافع ملی هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسئولان امر و یا شرایط محیطی دارد. (رستمی، ۱۳۸۶: ۴۲۱)

در زمینه دکترین نظامی این باور وجود دارد که دکترین نظامی به طور رسمی به عنوان بهترین راه برای انجام امور نظامی تلقی می‌شود. دکترین نظامی باید استوار بر اصول به کارگیری منابع نظامی باشد که به منظور کاربرد مستمر امور در زمان جنگ و صلح طراحی شده‌اند. دکترین‌های نظامی بسیار پویا بوده و با توجه به نوع درگیری، تغییرات محیطی، جهت‌گیری‌های سیاسی، ساختارهای سازمانی، تجهیزات و تسلیحات نوین و دکترین دشمن در یک نبرد خاص دچار تغییر و تحول می‌شوند. (دانش آشتیانی: ۱۳۸۹)

### دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد؟

اگر دکترین نظامی را یک زمینه فکری و نظری برای عملکرد نیروهای مسلح محسوب نمائیم، پذیرفته‌ایم که از جنس اندیشه و تفکر است. بنابراین تمامی تفکرات، تجارب، باورها، گفتار و جهت‌گیری‌های رهبران و اندیشه‌های سیاسی و نظامی یک ملت می‌تواند در شکل‌گیری آن نقش داشته باشد. سیاست نظامی<sup>۱</sup> راه‌کارها یا خط‌مشی‌های کلان یک دولت (نظام) برای به کارگیری قدرت نظامی به منظور حفظ ارزش‌های حیاتی یا منافع ملی در برابر خطر نفوذ و تجاوز نظامی دشمنان خارجی و کمک به دفع تهدیدات داخلی است. (نوروزی: ۱۳۸۵: ۴۲۴)

فلسفه نظامی<sup>۲</sup> نوع یا شکلی از اندیشه نظامی است که مبتنی بر یک منظومه فلسفی و جهان‌شناسی خاص می‌باشد که به دنبال کشف حقیقت در حوزه امور نظامی است. (جمشیدی: ۱۳۸۳: ۳۰) یا اینکه فلسفه‌ای است که به ترسیم قانون ملی آرمانی تنازع بقای مادی و معنوی یک ملت-کشور با توسل به قوه قهریه برای نیل به امنیت نسبی در شرایط جنگ و صلح می‌پردازد. به عبارت دیگر فلسفه نظامی به پرسش «چرا جنگ؟» پاسخ می‌دهد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۵۱۱)

---

<sup>۱</sup> Military Policy

<sup>۲</sup> Military Philosophy

۶۹..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۹

«بسیاری از این موارد در قانون اساسی<sup>۱</sup> ج.ا.ا. تصریح گردیده است، همچنین این موارد را می‌توان در قوانین<sup>۲</sup> کلام و نوشته‌های رهبران عالی‌رتبه نظامی و نهادهای عالی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نظامی کشور جستجو نمود.»

اندیشه نظامی<sup>۳</sup> نیز از جمله مقولاتی است که به شکل‌گیری دکترین نظامی یک کشور کمک می‌کند، صاحب‌نظران امر نظامی آن را اینگونه تعریف کرده‌اند: در تعریف عام، اندیشه نظامی عبارت است از هرگونه تفکر و تأمل درباره امر و رأی نظامی و در تعریف خاص، اندیشه نظامی، تفکر و تأملی است منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امر یا رأی نظامی. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹)

همچنین تصویری کلی و نمادین از امر نظامی را که دارای مبنای علمی یا فلسفی باشد، نظریه نظامی<sup>۴</sup> می‌نامیم. اصولاً نظریه نظامی با توجه به مشاهده‌ی وضع موجود، مشکلات، بحرانها و... به عنوان واکنش و جوابی به این وضع تدوین می‌گردد. معادل غربی نظریه تئوری است. (همان: ۳۲)

در این خصوص می‌توان به اندیشه‌ها و نظریات نظامی افرادی نظیر سون تزو، نادرشاه، ناپلئون و... اشاره داشت. البته گفتار و رهنمودهای رهبران سیاسی و نظامی یک کشور نیز می‌تواند در شکل‌گیری اندیشه‌ها و نظریه‌های نظامی، مؤثر باشد.

سرانجام، همه این تفکرات و چارچوبهای نظری در حوزه علوم نظامی در یک نقطه به هم می‌رسند، این فصل مشترک، ایدئولوژی نظامی<sup>۵</sup> است و برابر تعریف: ایدئولوژی نظامی مجموعه‌ای منسجم از اعتقادات و باورها در حوزه امور نظامی است که بر اساس نگرشی خاص، یک سری از ارزش‌ها و عقاید خاص را برای نظامیان مطرح می‌سازد و نظامیان بر مبنای آن ارزش‌ها و اعتقادات خاص، برنامه ریزی، طراحی و عمل می‌کنند. می‌توان گفت: ایدئولوژی نظامی، مجموعه‌ای از ایده‌های نظامی است که جنبه ارزشی و قداست یافته است. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۳۱)

۱- اصول ۱۴۳ الی ۱۵۱ قانون اساسی ج.ا.ا.

۲- برابر قانون ارتش مصوب ۶۷/۴/۷ اصول و ویژگیهای اساسی نیروهای مسلح عبارت است از: اسلامی بودن - ولایی بودن - مردمی بودن - خودکفائی - انضباط - سادگی - اقتدار - تدافعی بودن (رستمی، ۱۳۸۶)

<sup>3</sup> Military Idea

<sup>4</sup> Military Theory

<sup>5</sup> Military Ideology

دکترین نظامی، چگونه شکل می‌گیرد؟..... ۷۰

اصول جنگ، می‌تواند مثال نزدیکی برای ایدئولوژی نظامی باشد، البته اصول جنگ فعلی و پذیرفته شده در کشور ما ممکن است کاملاً برخاسته و برآمده از چارچوب‌های نظری و فکری حاکم در قلمرو دانش نظامی - دفاعی کشور نباشد و به همین دلیل هم ضرورت تغییر و بازنگری در این مجموعه پذیرفته شده کاملاً مشهود است، لیکن تضاد و شکاف عمیقی هم بین این اصول و آن مبانی نظری وجود نداشته و یک نوع هماهنگی و توافق نسبی موجود است. به هر حال، "اصول جنگ را می‌توان شالوده و سنگ بنای دکترین نظامی دانست."<sup>۱</sup>

## سطوح دکترین نظامی

همان گونه که اشاره گردید دکترین نظامی در سه سطح: راهبردی<sup>۲</sup>، عملیاتی<sup>۳</sup> و تاکتیکی<sup>۴</sup> تعریف می‌شود.

### دکترین راهبردی:

به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده اقدام نظامی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی عالی‌ترین سطوح فرماندهی نظامی در رده جبهه، گروه ارتش‌ها و قواست. لازم به ذکر است که تدابیر اتخاذ شده با در نظر داشتن دکترین‌های استراتژیکی، منجر به تهیه و تدوین طرح‌های استراتژیکی می‌گردد. دکترین استراتژیکی متضمن اجرای جنگ در صحنه است و چگونه جنگیدن را خاطر نشان می‌سازد. (نوروزی: ۱۳۸۵: ۳۵۱) علاوه بر این که دکترین‌های نظامی می‌توانند از سطح راهبردی برخوردار باشند، قاعدتاً در هر کشوری یک دکترین نظامی راهبردی کلان در سطح ملی وجود دارد که مبانی اصلی به کارگیری مؤلفه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و نظامی قدرت ملی را برای حصول به اهداف ملی در زمان صلح و جنگ بیان می‌کند که به آن دکترین دفاع ملی یا دکترین نظامی ملی هم گفته می‌شود.

این دکترین علاوه بر این که به عنوان یک مأخذ و مرجع برای تمام دکترین‌های سطوح پایین‌تر مطرح است، یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی همه دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های نیروهای

<sup>1</sup> The principles of war form the foundation of army operational doctrine. (Nasiri, 2005)

<sup>2</sup> Strategic Doctrine

<sup>3</sup> Operational Doctrine

<sup>4</sup> Tactical Doctrine

۷۱..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۹

مسلح نیز محسوب می‌شود و خطوط اصلی لازم را برای برنامه‌های آموزشی و عمومی، فراهم میکند. این دکترین برنامه‌های پیشنهاد و تصویب بودجه نظامی را پشتیبانی میکند. دکترین راهبردی چارچوب و پایه‌ای برای استفاده موثر از نیروهای نظامی را در صحنه جنگ به دست می‌دهد. (دانش آشتیانی: ۱۳۸۹)

### دکترین عملیاتی:

به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده اقدام نظامی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی سطوح میانی فرماندهان نظامی (رده سپاه) است که تدابیر اتخاذی با توجه به دکترین‌های عملیاتی، منجر به تهیه و تدوین طرح‌های عملیاتی می‌گردد. دکترین عملیاتی متضمن اجرای نبرد در جبهه و حلقه واسط چگونه جنگیدن یا چگونه رزمیدن است. دکترین‌های عملیاتی به شکل‌های ساده، مشترک و مرکب تهیه و تدوین و در میدان نبرد اجرا می‌شوند. دکترین‌های عملیاتی صفی هدایت کننده، راهنما و روشنگر عوامل صفی در صحنه نبرد و دکترین‌های عملیاتی ستادی، راهنمای عوامل ستادی در تامین نیروهای صحنه نبرد هستند. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۶)

دکترین نظامی عملیاتی، مبانی و قوانین حاکم بر سازماندهی، هدایت و به کارگیری یک نیرو در انجام ماموریت‌های نظامی و عملیات رزمی در جنگ‌های متعارف و غیر متعارف، عملیات ویژه و ضد شورش و دیگر وظایف نظامی مربوط به آمادگی نظامی را تعریف می‌کند. این دکترین شامل تدابیر و اصول منتج از دکترین راهبردی کشور (ملی) بوده و به عنوان راهنمای یک نیرو در سازماندهی، آموزش و به کارگیری امکانات آن نیرو مورد استفاده قرار می‌گیرد تا این نیرو بتواند ماموریت خود را در هر نوع درگیری و عملیات نظامی، با اختیارات کافی به انجام برساند. (دانش آشتیانی، ۱۳۸۹)

### دکترین تاکتیکی:

این دکترین، تاکتیک، تکنیک و مقررات جزء به جزئی که راهنمای استفاده از سلاح‌های خاص برای کسب اهداف خاص محسوب می‌شوند، را تعریف می‌کند. دکترین تاکتیکی در واقع راهنمایی لازم را برای چگونگی عملکرد یک نیرو در درگیری‌ها و رزم‌ها فراهم می‌نماید. در دکترین تاکتیکی چگونگی کسب اهداف تاکتیکی و چگونگی حرکات و آتش و رزمایش (مانور) یگان‌ها، تأثیرگذاری عوامل و اطلاعات رزمی مانند دشمن، جو، زمین و سلاح‌های در دسترس بر تاکتیک‌های نیروها مورد توجه قرار می‌گیرد. (دانش آشتیانی، ۱۳۸۹)

دکترین نظامی، چگونه شکل می‌گیرد؟..... ۲۲

. دکترین تاکتیکی، به آن دسته از قواعد بنیادی اطلاق می‌شود که هدایت کننده عملیات تاکتیکی در پشتیبانی از تدابیر اتخاذی سطوح پائین فرماندهی نظامی است که تدابیر اتخاذی سطوح مزبور با توجه به دکترین‌های تاکتیکی، منجر به اجرای رزم می‌شود. دکترین تاکتیکی متضمن اجرای رزم در منطقه هدف است و چگونگی رزمیدن را خاطر نشان می‌سازد. دکترین تاکتیکی هدایت کننده، روشنگر و راهنمای عوامل تاکتیکی در رزمگاه‌هاست و به شکل‌های ساده و مشترک تهیه، تدوین و در رزمگاه اجرا می‌شود. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۳)

### رابطه راهبرد و دکترین

به لحاظ ریشه‌شناسی، واژه "راهبرد" (استراتژی) مشتق از کلمه یونانی "استراتگوس" (Strategus) و مرکب از دو لغت "استراتوس" (Stratus) یعنی قشون و "آگاگس" (Agaugus) یعنی راهنما و به معنای فرمانده است. در یونان قدیم، فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و همچنین رومیان برای کسب پیروزی در جنگ به کار می‌بردند "استراتژوم" (Strategum) نامیده می‌شد. بر همین اساس، راهبرد در اصل و در معنای نخستین خود بیانگر حیل‌ها، نقشه‌ها و تدابیر نظامی بود. در نخستین تصور از راهبرد، آن را شیوه‌ای برای مدیریت صحنه نبرد و غلبه نظامی بر دشمن تلقی می‌کردند. اما در گذر زمان، کلاوزویتس تا حدودی حوزه و گستره کاربرد راهبرد را موسع‌تر نمود و آن را «فن هدایت نیرو و تطبیق و هماهنگ ساختن نیروها جهت نیل به هدف‌های بزرگ» تعریف کرد. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۳۳)

مکتب جغرافیا، استراتژی را علم جنگ می‌داند، علمی که طرح تهیه می‌کند، خط مشی مؤسسات نظامی را تعیین می‌کند و آنها را تحت کنترل می‌گیرد. (سید علی قادری / جلیل روشندل، ۱۳۷۰: ۲۳۸) همانگونه که اشاره گردید دکترین زمینه‌های فکری و نظری حاکم بر عملکرد، آموزش و تجهیز نیروهای نظامی در صحنه نبرد است، و عملکرد نیروها نیز تلاش برای اجرای راهبرد (راه کار و تدبیر برای پیروزی) است لذا می‌توان گفت نحوه بکارگیری همه امکانات، مقدرات و منابع و این که چطور از وضع موجود به وضع مطلوب برسیم را "راهبرد" تعیین می‌کند. یعنی راهبرد تعیین کننده مسیری است که وضع موجود را به وضع مطلوب پیوند می‌زند و پاسخی است برای سؤال "چه باید کرد؟" اما "دکترین" پاسخی است برای "چگونه باید عمل نمود؟" دکترین، محدوده مسیر، خطوط حرکت و تابلوهای راهنمایی است که برای حرکت در این مسیر (راهبرد) باید رعایت شده و تخلف از آنها تحقق اهداف را با مشکل مواجه می‌کند.



### مدل مفهومی شکل گیری داکترین نظامی:



## نتیجه‌گیری

معمولا ترتیب هدف‌گذاری، در یک سازمان (نظامی) شامل: آرمان‌ها، منافع کلان، اهداف کلی، اهداف اجرایی و اهداف کمی می‌گردد. در این سلسله مراتب، مابین میزان دستیابی به هدف مورد نظر از یکسو، و سطح و رده آن هدف از سوی دیگر، یک رابطه معکوس برقرار است. یعنی میزان رسیدن به آرمانها بسیار کم و احتمال دسترسی به اهداف کمی و جزئی بسیار زیاد است.

علیرغم این رابطه معنادار در نسبت رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده، در تمام این سلسله مراتب و رده‌ها، مجموعه‌ای از اصول، قواعد و آموزه‌ها (نوشته و یا نانوشته) وجود دارند که تقریباً دائماً بوده و کمتر قابل تغییر<sup>۱</sup> هستند. حوزه نفوذ و ابعاد این اصول نیز تقریباً ثابت بوده، تابع زمان و مکان نیستند و بیشتر تاثیر گذارند تا تأثیر پذیر. تقریباً همگی آنها را قبول داشته و مورد پذیرش عموم بوده و از مقررات و قوانین سازمانی بسیار بالاتر هستند.

این اصول و آموزه‌ها همان دکترین است که می‌توان آن را زمینه‌های فکری و تئوریک اجرای راهبرد نیز نامید. به عبارت دیگر، دکترین نظامی آموزه، نگرش، دیدگاه و برداشت اندیشه‌ای و فکری حاکم بر یک محیط نظامی است که نوع خاصی از عملکرد را دیکته می‌نماید و یگان‌های نظامی بر آن اساس آموزش می‌بینند، سازمان می‌یابند، تجهیز می‌شوند. و در صحنه نبرد هدایت می‌گردند.

دکترین نظامی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد و یا در چارچوب چند نظریه نظامی مطرح و ارائه گردد. یعنی نظریه‌های نظامی خاستگاه و مولد دکترین‌های نظامی است. بنابراین بعد از ایجاد و تدوین نظریه‌ها و یا نوعی خاص از اندیشه نظامی، می‌توان دکترین نظامی را تدوین و ارائه نمود. با این بیان، دکترین نظامی را می‌توان زائیده تفکر، اندیشه، تجارب، عقاید و باورهای یک جامعه در حوزه علوم نظامی دانست، و آن را باید اصول، خط مشی‌ها و افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی دانست که از اندیشه نظامی سرچشمه گرفته و پس از اجماع سیاست‌گذاران نظامی نسبت به آن، به عنوان یک راهنما برای عمل نیروهای نظامی شناخته می‌شود. شکل‌گیری دکترین (نظامی) نتیجه تفکرات و

---

<sup>۱</sup> همانگونه که اشاره گردید در صورت تغییر و یا جایجائی در آراء و اندیشه‌های نظامی یک جامعه و یا ورود فن‌آوری و تکنولوژی جدید که نظریه‌های جدیدی را ایجاد نماید، این اصول و آموزه‌ها نیز بایستی متناسب با آن تغییر نماید.

اندیشه‌های موجود در جامعه بوده که هم می‌تواند برابر یک روند باشد و یا طبق فرایندی شکل بگیرد، یعنی ممکن است عده‌ای اندیشمند و صاحب‌نظر (حوزه علوم نظامی) اقدام به تدوین و تئوریزه نمودن این آموزه‌ها برآمده و آن را در قالب یک سند رسمی منتشر نمایند (دکترین‌های نوشته شده) و یا اینکه این اندیشه‌ها و آموزه‌ها در یک دوره زمانی بر اثر تجربیات و دیگر داشته‌های فکری، و متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی و نظامی جامعه و تغییر در فن‌آوری‌ها در ذهن افراد شکل بگیرد و نوع خاصی از عملکرد را به آنها دیکته نماید. (دکترین‌های نوشته نشده<sup>۱</sup>)

## منابع:

### الف - فارسی

۱- آفتاب، س. (۵ تیر ۸۹). اصطلاحات سیاسی. بازیابی از

[www.aftab.ir: http://www.aftab.ir/articles/politics/political-science/doctrine\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/politics/political-science/doctrine_p1.php)

۲- تهامی، م. (۱۳۸۲). امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۳- جمشیدی، م. (۱۳۸۳). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - دانشکده فرماندهی و ستاد.

۴- دانش آشتیانی، م. (۱۳۸۹). اصول و روش تدوین دکترین نظامی. نشریه نیروی برتر (نزاجا) - شماره ۲، ۶۰.

۵- روشندل، س. ع. (۱۳۷۰). مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۶- رستمی، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های نظامی. تهران: ایران سبز.

۷- روشندل، ج. (۱۳۷۰). مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم (نسخه اول). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۸- نوروزی، م. (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی. تهران: سنا.

---

<sup>۱</sup> در زمان جنگ تحمیلی بسیاری از تاکتیک‌های موفق نظامی توسط نیروهای نظامی ج.ا.ا. اجراء گردیده که قبلا در هیچ آئین‌نامه و یا دستورالعملی به آنها اشاره نشده است.

*Dic. of military and associated terms.* (2009). tehran: sayad shirazi trained and research center.

Longman. (2008). *Longman Dictionary of Contemporary English* (12 ed.). Longman.

Nasiri. (2005). *English for the students of Defense Management.* Tehran: Dafous Aja.

